

گاندی

«کهن همچون کوه‌ها»

گردآورنده : سارو بانی رادا کریشنان

ترجمه الهام نظری



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

گاندی، مہاتما، ۱۸۶۹-۱۹۴۸م. Gandhi, Mahatma

گاندی: کهن همچون کوه‌ها/ گردآورنده ساروپالی رادا کریشنان؛ ترجمه الهام نظری.

تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۹۶.

۲۸۸ ص.

۴-۴۸۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

فیا

عنوان اصلی: Antiche Come Le Montagne.

واژه نامه.

کتابنامه: ۲۷۵ص.

گاندی، مہاتما، ۱۸۶۹-۱۹۴۸م. -- سرگذشتنامه.

Mahatma-- Biography, Gandhi

سیاستمداران -- هند -- سرگذشتنامه.

Politicians -- India-- Biography

رادا کریشنان، ساروپالی، ۱۸۸۸-۱۹۷۵م، گردآورنده

Radhakrishnan, . (Sarvepalli)

نظری، الهام، ۱۳۴۸-، مترجم

۱۳۹۶ ۲۳/۲۲/۴۸۱/DS



۹۵۴/۰۳۵۰۹۷۰



۷۰: ۴۹۶۹

گاندی

«کهن همچون کوه‌ها»

گردآورنده: ساروپالی رادا کریشنان

ترجمه الهام نظری؛ با گفتاری از داریوش شایگان

چاپ اول: ۱۳۹۷؛ تیراژ: ۱۰۰۰؛ قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبی مقدم؛ طراح جلد: میتا طهرانی مؤید

حروف نگاری: شبستری؛ لیتوگرافی: دله؛ باب: صحافی: تاجیک

تمامی حقوق این اثر محترم است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - ریز - تیراژ و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.

میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

Instagram: farzanpublishers / www.farzanpublishers.com

ISBN: 978-964-321-481-4

شابک: ۴-۴۸۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

هفت	گفتاری از داریوش شایگان
سیزده	یادداشت مترجم
۱	مجمع عمومی یونسکو
۳	مقدمه

کندی، «کهن همچون کوه‌ها»

۱۱	زندگی‌نامه
۸۹	۲- دین و حقیقت
۱۲۵	۳- ابزار و اهداف
۱۳۱	۴- آهیم‌سا، یا مسیر عدم خشونت
۱۶۵	۵- انضباط نفس
۱۷۹	۶- صلح بین‌المللی
۱۸۹	۷- انسان و ماشین
۱۹۷	۸- فقر در میان فراوانی
۲۱۱	۹- دموکراسی و مردم
۲۲۵	۱۰- آموزش
۲۴۱	۱۱- زنان
۲۵۳	۱۲- چکیده اندیشه‌ها
۲۷۱	واژه‌نامه
۲۷۵	منابع
۲۷۷	ارجاع

مقدمه

یک استاد بزرگ هر چند مدت یک بار دیده می شود قرن‌ها ممکن است سپری شوند بی آنکه استاد نمایان گردد. او را می توان از زندگیش شناخت. ابتدا زندگی می بیند و سپس به دیگران می گوید چگونه می توانند با همان شیوه زندگی کنند. گاندی چنین استادی بود.

این گزیده از گفته‌ها و نوشته‌هایش، دقیق و توجه بسیار توسط جناب آقای کریشنا کریپالانی گردآوری شده و به خواننده زمینه‌ای از فعالیتهای فکری گاندی، وسعت اندیشه او و تکنیکهای علم که به کار برده بود را خواهد داد. زندگی گاندی در سنت دینی هند ریشه دارد، با تأکید بر جستجوی پرشور حقیقت، احترام عمیق به زندگی، آرامش و راستگی و آمادگی برای فدا کردن همه چیز به منظور شناخت خدا. او تمام زندگیش را در جستجوی مداوم حقیقت سپری نمود.

«زندگی می‌کنم و حرکت می‌کنم و وجود دارم برای پیگیری این هدف». یک زندگی بدون ریشه، فاقد یک پایه عمیق، یک زندگی سطحی است. برخی معتقدند، هنگامی که چیزی را می‌بینیم خوب است، انجامش می‌دهیم. چنین نیست، حتی زمانی که می‌دانیم چه چیزی خوب است، دلیل این نمی‌شود که آن را انتخابش خواهیم کرد و یا انجامش خواهیم

داد. ما تحت سلطه فشارهای قدرتمندی می‌باشیم و بدی می‌کنیم و به نور درون خویش خیانت می‌کنیم.

از نقطه نظر آیین هندو «تنها بخشی از وجود ما در شرایط کنونی انسان است، بخش پست‌تر ما همچنان حیوانی است. تنها پیروی غرایز درونمان از عشق می‌تواند حیوان وجودمان را نابود سازد». از طریق روند آزمایش و خطا، انتقاد از خود و انضباطی جدی، انسان به‌طور دردناکی نکان می‌خورد، قدم به قدم در مسیری که منجر به کمال می‌شود، قرار می‌گیرد.

دین گاندی، دینی منطقی و اخلاقی بود. هرگز ایمانی را که به عقل متوسل شده بود، حکمی که مورد تأیید وجدان قرار نگرفته بود را نمی‌پذیرفت.

اگر به خدا اعتقاد داشتید نه تنها با اندیشه‌مان بلکه با تمام وجودمان، کل بشریت را بدون هیچ تبعیض نژادی یا طبقاتی، ملیتی یا دینی دوست خواهیم داشت.

برای یکی شدن نوع بشر تلاش خواهد کرد.

تمام اعمال و رفتار من براساس عشق و صلح من به بشریت است. بین خویشاوندان و غریبه‌ها، هموطنان و غریبان، سفیدپوستها و رنگین‌پوستها، هندوها و هندیهای با اعتقادات دیگر مانند مسلمان، پارسی، مسیحی و یا کلیمی، بین هیچکدامشان تفاوت نمی‌بینم.

می‌توانم بگویم قلب من قادر به این‌گونه تمایزات نبوده است. «از طریق یک روند طولانی دعا و نظم و انضباط از بیش از چهل سال پیش نفرت به هر فردی را متوقف ساختم» همه انسانها برادرند و هیچ مخلوقی نباید نسبت به دیگری بیگانه باشد.

سعادت همگان، سارودایا^۱، باید هدفمان باشد. خداوند پیوند مشترکی است که تمام انسانها را به یکدیگر متصل می‌سازد. درهم‌شکستن این پیوند حتی با بدترین دشمنان، تکه‌تکه کردن خداوند است. انسانیت حتی در بدترینها نیز وجود دارد.

این نظریه، طبیعتاً منجر شد به پذیرش خشونت‌پرهیزی به عنوان بهترین راه برای حل تمام مشکلات، ملی و بین‌المللی. گاندی خود را یک پیشرو ناسی‌دانست بلکه یک ایده‌آلیست عملگرا، خشونت‌پرهیزی تنها مختص قدیسان و فراتگین نمی‌باشد بلکه شامل مردم عادی هم می‌شود. خشونت‌پرهیزی قانون ساز انسانها است، همانگونه که خشونت قانون حیوانات است. روح بهیچ‌وجه خشونت به خواب می‌رود و قانونی جز قدرت فیزیکی را نمی‌شناسد.

شان و منزلت انسانی نیازمند پیروی از قانونی برتر است - از قدرت روح. در تاریخ بشریت گاندی اولین شخص بهیچ‌وجه اصل عدم خشونت را از بُعد شخصی به بُعد اجتماعی و سیاسی گسترش داد. او با هدف آزمودن نظریه عدم خشونت و برپادار کردن ارزش و اعتبار آن وارد عرصه سیاست شد.

«برخی از دوستانم معتقد بودند حقیقت و عدم خشونت - ایگاهی در سیاست و امور این جهان ندارند. من موافق نیستم. به عنوان «بزرگ نجات فردی نمی‌دانم با آنها چه کنم. در تمام زندگی، بی‌وقفه آنها را تجربه کرده‌ام. با گنجاندن و کاربردشان در زندگی هرروزه».

«از نظر من سیاست بدون دین ناپاکی مطلق است، همیشه باید از آن اجتناب نمود.

سیاست در رابطه با ملتها است، و هنگامی که به آرامش و آسایش ملتها مربوط می‌شود باید یکی از دغدغه‌های انسانی باشد که به دین گرویده است، به عبارت دیگر انسانی که در جستجوی خدا و حقیقت است. از نظر من خدا و حقیقت واژگانی قابل تبدیل هستند و اگر کسی بگوید که خداوند، خدای دروغ یا شکنجه است، علاقه مفرط خویش را به خدا رد می‌کنم.

بدین ترتیب پادشاهی آسمان را باید در سیاست نیز برقرار سازیم. در نبرد برای استقلال هند، گاندی بر علت کاربرد روشهای مدنی عدم خشونت و مبارزه با ستم را می‌ورزید. شیوه رفتار او در برابر آزادی هندوستان، به هیچ وجه با اساس نفرت به انگلستان پایه گذاری نشده بود. از گناه باید متنفر باشیم نه از گناهکار. «از نظر من میهن پرستی برابر با انسانیت است. میهن پرست هستم، زیرا که یک انسان هستم. به انگلستان یا آلمان برای خدمت به هندوستان نمی‌روم. نخواهم زد».

او در فکر ارائه خدمتی به گانگاسیها بود درحالی که به آنها یاری می‌داد تا صادقانه با هند رفتار کنند و حاصل آن نه فقط آزادی مردم هند بلکه رشد منابع اخلاقی بشریت بود. در وضعیت کنونی در زمینه انرژی اتمی، اگر آرزوی نجات دنیا را داریم، اصول خشونت را باید بپذیریم. «کاملاً بی حرکت ماندم، هنگامی که پی بردم یک بمب اتمی بیروشیما را نابود کرد». برعکس به خود گفتم: «مگر آنکه، اکنون دنیا عدم خشونت را نپذیرد و این به طور حتم، معنای خودکشی بشریت خواهد بود. من و انیم مطمئن باشیم که در جنگ آینده هیچیک از دو طرف تعمداً از تسلیحات اتمی استفاده نخواهد کرد».

ما قادریم، در یک رعد و برق خیره کننده، همه آنچه را که طی قرون، مجدانه با تلاش و فداکاریمان ساخته ایم، نابود سازیم. با یک کمپین تبلیغاتی ذهن مردم را نسبت به جنگ اتمی شرطی می‌کنیم.

نظریات تحریک آمیز، آزادانه در همه جا پرواز می کنند، تهاجمی هستیم حتی در کلام، قضاوت های خشن، سوءنیت، عصبانیت، همگی اشکال حيله گرانه خشونت هستند. در شرایط کنونی که قادر به انطباق خود با وضعیت جدیدی که علم خلق کرده است، نمی باشیم، پذیرش اصول خشونت پرهیزی، حقیقت و تفاهم آسان نیست. اما نباید با این بهانه از تلاش و کوشش منصرف شویم. درحالی که لجاجت و سرسختی سران سیاسی، خلبانهای ما را لبریز از وحشت می کنند، عقل سلیم و وجدان مردم جهان، ما را امیدوار می سازند. با وجود افزایش سریع تغییر و تحولات مدرن، نمی دانیم این دنیا در صد سال آینده چگونه خواهد بود. نمی توانیم اندیشه ها و احساسات جاری آینده را پیش بینی کنیم با این وصف، سالها می توانند مسیرشان را پیش ببرند اما اصول والای ساتیا و آهیم سا، حقیقت و عدم خشونت برای هدایت ما بوده اند. ستارگان ساکتی که دلسوزانه نگرهبانی یک جهان خسته و پرهیاهو را می کنند.

مانند گاندی می توانیم بر باورها، که خورشید در بالای ابرهای برهم انباشته، می درخشد، استوار بمانیم.

در دوره ای زندگی می کنیم که آگاهیم به شکست و انحلال اخلاقی خود. دوره ای که اطمینانهای قدیمی خراب گشته اند، آرمانهای غریزی متزلزل و شکننده اند. میزان بی تحملی و تلخی بالا می رود. آتش جهانی که جامعه بزرگ و پرمردم بشری را به آتش کشید. ذهن انسانی، با تمام ظرفیت در پی عجب بودن آزاردهنده اش، انواع متضادی را پدید می آورد، یک بون یا یک گاندی، یک نرون یا یک هیتلر. باعث افتخار است که یکی از بزرگترین چهره های تاریخی در دوره ما زندگی کرده است، با ما قدم زده و صحبت کرده و مسیر زندگی متمدن را به ما آموزش داده است آنکه به هیچکس توهین نمی کند، و هیچکس را نمی هراساند چیزی برای پنهان کردن ندارد،

پس ترسی ندارد و با همه رو در رو می‌گردد. قدمهایش محکمند، قامتش صاف و سخنانش واضح و شفافند. در زمانهای خیلی دور افلاطون گفته است: «همیشه در جهان انسانهایی وجود دارند که الهام شده‌اند، شناخت آنها بسیار گرانبها است».

۱۵ آگوست ۱۹۵۸

S.Radhakrishnan